

کتاب دانیال — نمبر تریسٹھ

فراٹر از نمودارهای میلر: اسلام، دآوری تحقیقی، و آزمون نهایی

Jeff Pippenger

2024-01-27

به ما چنین آگاهی داده شده است که «خدا ذهن ویلیام میلر را به سوی نبوت‌ها هدایت کرد و در باب کتاب مکاشفه به او نور عظیمی بخشید.» میلر، به سبب تاریخی که در آن از میان آن برخاسته بود، از درک «نور عظیم» موجود در باب‌های دوازدهم، سیزدهم، شانزدهم، هفدهم و هجدهم مکاشفه بازداشته شد، زیرا آن باب‌ها کار پادشاهی‌های نبوی را شناسایی می‌کردند، پادشاهی‌هایی که او از منظر تاریخی خویش قادر به دیدنشان نبود.

نوری که در باب مکاشفه به میلر داده شد، دربارهٔ کلیساهای، مهرها و شیپورها بود؛ و این سه شیپور آخر، که به‌عنوان «سه وای» شناخته می‌شوند، بر دو لوح حبقوق بازنمایی شده‌اند. «نور عظیم»ی که در کتاب مکاشفه به میلر عطا شد، به نقش اسلام در نبوت کتاب مقدس مربوط است. باین‌حال، حتی آن «نور عظیم» نیز به سبب بستر تاریخی او محدود بود.

«هفت کلیسای آسیا، تاریخ کلیسای مسیح است در هفت صورت آن، در همهٔ پیچ‌وخم‌ها و گردش‌هایش، در تمامی کامیابی و سختی‌اش، از روزگار رسولان تا پایان جهان. هفت مهر، تاریخ معاملات قدرت‌ها و پادشاهان زمین با کلیسا، و نیز پاسداری خدا از قوم خویش در همان دوران است. هفت شیپور، تاریخ هفت دآوری خاص و سنگین است که بر زمین، یا بر قلمرو روم، فرستاده شد. و هفت پیاله، هفت بلای آخر است که بر روم پاپی فرستاده شد. در میان اینها، رویدادهای بسیار دیگری نیز آمیخته است که چون جویبارهای فرعی درهم تنیده شده‌اند و رود عظیم نبوت را پر می‌سازند، تا آنکه سراسر آن سرانجام ما را به اقیانوس ابدیت می‌رساند.»

«این، از نظر من، طرح نبوت یوحنا در کتاب مکاشفه است. و کسی که می‌خواهد این کتاب را درک کند، باید شناختی عمیق از دیگر بخش‌های کلام خدا داشته باشد. تصاویر و استعاره‌هایی که در این نبوت به کار رفته‌اند، همگی در همان‌جا تبیین نشده‌اند، بلکه باید در دیگر انبیا جست‌وجو شوند و در سایر بخش‌های کتاب مقدس توضیح یابند. بنابراین آشکار است که خدا مطالعهٔ تمامی آن را منظور داشته است، حتی برای آنکه معرفتی روشن از هر بخشی حاصل شود.» ویلیام میلر، سخنرانی‌های میلر، جلد ۲، درس ۱۲، ۱۷۸.

توجه کنید که میلر هفت بلای آخر را همان هفت دآوری بر روم پاپی می‌دانست. او نمی‌توانست درک کند که به روم پاپی زخمی مهلک وارد شده بود که می‌بایست شفا یابد. او هفت کرنا را «تاریخی از هفت دآوری ویژه و سنگین که بر زمین، یا بر مملکت روم، فرستاده شده است» تشخیص می‌داد، اما قادر نبود تمایز میان قلمروهای روم مشرک و روم پاپی را بازشناسد. از این‌رو، توانایی او در دیدن تمایز میان چهار کرناي نخست و سه کرناي آخر محدود بود.

میلر نتوانست تشخیص دهد که دآوری‌هایی که بر روم وارد شد، پاسخ خدا به تحمیل یکشنبه بود، زیرا میلری‌ها در آن مقطع از تاریخ خود همچنان در روز یکشنبه عبادت می‌کردند. میلر در این تشخیص که شیپورها دآوری‌هایی بر روم بودند درست بود، اما علت مشخصی که آن دآوری‌ها به سبب آن وارد شدند، و نیز تمایز میان چهار شیپور نخست و سه شیپور آخر، محدود بود یا اساساً وجود نداشت. با آن دیدگاه محدود، «جواهر» سه وای اسلام همچنان در نمودارهایی که به هدایت دست خدا تنظیم شده بودند، گنجانده شده بود و نباید تغییر داده شود.

بصیرت منور ایک "حکیم" طالب نبوت کو اس قابل بناتی ہے کہ وہ پہچان لے کہ خدا نے نہ صرف اُن مقدس اشخاص کو الہام بخشا جنہوں نے بائبل کو قلم بند کیا، بلکہ اُس نے اُن اشخاص کے کام پر بھی حاکمانہ نگرانی فرمائی جنہوں نے کنگ جیمز بائبل کا ترجمہ کیا، اور وہ خاص طور پر یہ فرماتا ہے کہ اُس نے انہی دو مقدس چارٹس کی تیاری میں بھی اسی نوع کی الہی نگرانی کو بروئے کار لایا۔

«جواہر» میلر دربارہ شیپورہای پنجم، ششم و ہفتم (اسلام) در ایام آخر دہ بار درخشان تر می درخشد، زیرا موضوع فریاد نیمہ شب نہایی را مشخص می سازد. موضوع فریاد نیمہ شب در تاریخ میلری، تاریخ پایان ادوار نبوی بود، و از این جهت، پیام «فریاد نیمہ شب» در ایام آخر (کہ همان پیام اسلام وای سوم است) به وسیلہ تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نمونہ سازی شدہ است. آن تاریخ در تاریخ میلری ممثل قانون یکشنبہای است کہ به زودی خواہد آمد، و ہم ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ و ہم قانون یکشنبہای، به وسیلہ صلیب نمونہ سازی شدہ بودند، کہ فرجام ورود ظفرمندانہ مسیح بود.

گوہر میلر دربارہ شیپورہای پنجم، ششم و ہفتم (اسلام)، در ایام آخر دہ برابر درخشان تر می درخشد، زیرا اسلام را در توافق با مضمون جنبش اصلاحی ایام آخر شناسایی می کند، کہ همان اسلام وای سوم است. بنابراین، چون این مضمون موضوع جنبش اصلاحی نہایی صد و چہل و چہار ہزار نفر است، به وسیلہ مضمون ہر یک از جنبشہای اصلاحی پیشین نمونہ سازی شدہ است؛ خواہ مضمون «رستاخیز» در جنبش اصلاحی مسیح باشد، خواہ مضمون «زمان نبوی» در تاریخ میلری ہا، خواہ مضمون «تابوت خدا» در جنبش اصلاحی داود، یا مضمون «عہد» در جنبش اصلاحی موسی.

خواہ صلیب کا واقعہ ہو، 22 اکتوبر 1844 کی تاریخ ہو، یا اصلاحی تحریکوں کے مختلف موضوعات، ہر تاریخ اور ہر موضوع اُس زمانے کی نسل کے لیے زندگی اور موت کی آزمائشی کسوٹی تھا۔ اسلام کی تین "ویلوں" سے متعلق ملر کا "جواہر" زندگی اور موت کی ایک آزمائشی سوالیہ کسوٹی ہے، جیسا کہ دس کنواریوں کی تمثیل میں "تیل" کے حوالے سے ظاہر کیا گیا ہے۔ اُس کے خواب کے آغاز میں ملر کے جواہر سورج کی مانند چمکتے تھے، لیکن خواب کے اختتام پر وہ "دس گنا زیادہ روشن" چمکے۔ ملرائی تاریخ میں ملر کے جواہر مٹی کے تیل (چراغ کے تیل) کی مانند تھے، لیکن آج وہ جواہر راکٹ کے ایندھن ہیں!

میلری ہا نبوت زمانی اسلام وای دوم را درک کردند و آن را بہ درستی بہ کار بستند؛ همان نبوتی کہ در 11 اوت 1840 تحقق یافت. اما فہم ایشان از وای سوم، کہ همان شیپور ہفتم است، نمی توانست آمدن وای سوم را همچون داوری ای بر پادشاہی ششم نبوت کتاب مقدس ببیند، زیرا آنان پادشاہی پنجمی را نمی دیدند، چہ رسد بہ پادشاہی ششم نبوت کتاب مقدس. با این ہمہ، آن «نور عظیم» دربارہ مکاشفہ کہ بہ میلر دادہ شد، باید در «فریاد نیمہ شب» ایام آخر دہ بار درخشان تر بتابد.

حقایقی کہ بر دو لوح حقوق بہ تصویر درآمده اند، در اصل حقایقی ہستند کہ در تاریخ گذشتہ تحقق یافتہ اند. این نمودارہا بر نبوت ہای زمانی ای استوارند کہ میلر ہدایت شد تا آنہا را گرد آورد، و ہمہ آن نبوت ہای زمانی تا سال ۱۸۴۴ بہ پایان رسیدہ بودند. آن نبوت ہای زمانی در ایام آخر با درخششی بیشتر خواہند تابید، زیرا دیدہ خواہد شد کہ امروز نیز همان قدر دقیق اند کہ در تاریخ میلری بودند، اما ہیچ پیش گوئی زمانی مستقیمی برای ایام آخر در خود ندارند. با این ہمہ، آنہا نمونہ ہای نبوی تکرارشوندہ ای از تاریخ ہایی را کہ در گذشتہ نمایندگی می کردند، فراہم می آورند؛ اما با چندی از جواہرات میلر، پیش گوئی ہای آیندہ بہ طور مستقیم بہ تصویر کشیدہ شدہ اند.

کار مسیح در قُدس آسمانی کہ در سال ۱۸۴۴ آغاز شد، تا زمانی کہ آن کار بہ انجام برسد، ادامہ دارد. نبوت دو ہزار و سیصد روز، و کار تطہیری کہ آن را معین ساخت، همچنان «در حال تحقق» است؛ چنان کہ خواہر وایت دربارہ نہرہای اولای و حداقل بیان می دارد؛ بنابراین، آن نبوت تحقق مربوط بہ پایان جہان دارد.

»نوری کہ دانیال از خدا دریافت کرد، به‌ویژه برای این ایام آخر داده شد. رؤیاهایی کہ او بر کرانه‌های اولای و حدّ اقل، آن نهرهای بزرگ شنعار، دید، اکنون در حال تحقیق‌اند، و همه وقایعی کہ پیشگویی شده‌اند، به‌زودی واقع خواهند شد.« Testimonies to Ministers, 112.

بخش‌هایی از رؤیاهای دانیال، فصل‌های هفت و هشت، کہ بر آن دو لوح آمده‌اند، هنوز در آینده‌اند، زیرا هر دو به کار قدسگاہی مسیح اشاره می‌کنند. با این حال، تاریخ‌های پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس در آن دو فصل با آنجا پایان می‌یابند کہ روم پاپی زخم کشنده خود را دریافت می‌کند. «سنگ»ی کہ «بدون دست‌ها از کوه بریده شد»، و نیز پادشاهی هشتم دانیال دو، هنوز در آینده‌اند. اما بیشتر آنچه بر نمودارها در ارتباط با دانیال فصل‌های دو، هفت، و هشت نشان داده شده است، به انجام رسیده است.

”بونیادی“، ”وہل“ ”تیسری کی اسلام اور، خدیمت والا جانے دیا اُجام مے مقامِ مکتدس کا مسیہ-ع-کام دو این ہے۔ کرتے نمازنگی کی تاریخی نبوؤصتی کی باد کے زمانے کے ملیراڈٹس جو ہے مہجرات دو وہی پر تہر جب ہے آتی سامنے وکٹ اس مسال جسیکی ہے شاملی بھی تاریخی وہ کی دنیوں آخیری، ساٹھ-ساٹھ کے مہامین مایوسی پہلی کی 1843 تو، ہے جاتا کیا ایسا جب ہے۔ جاتا رھا ساٹھ اک پر لکیر ہی اک کو چارٹس دونوں کی“ ”گرجوں سات“ ”ملیکر دونوں ہے۔ پاتی تسیہ اپنی پر چارٹ دوسرے، ہے گیا دخیایا پر چارٹ پہلے کی جیسا کہ“ ”مکاشفہ کے مسیہ یسہ“ ”اب جو، ہے کرتے بھی شناخت اسکی اور ہے کرتے بھی پیداکو“ ”تاریخی پوشیدہ“ ”ہے۔ رھی جا خولی مے تالولک ساٹھ کے خولنے

وہ ”پوشیدہ تاریخ“ ”سچائی“ پر قائم ہے، جو عبرانی حروف تہجی کے ان تین حروف پر مشتمل ہے جو باہم مل کر ”سچائی“ کا لفظ بناتے ہیں۔ یہ لفظ عبرانی حروف تہجی کے پہلے، تیرھویں اور آخری حرف سے تشکیل پاتا ہے، اور یسوع کی نمائندگی نہ صرف بطور سچائی کرتا ہے بلکہ بطور الفا اور اومیگا بھی۔ یہ ”پوشیدہ تاریخ“ ایک مایوسی سے شروع ہوتی ہے اور ایک مایوسی ہی پر ختم ہوتی ہے، اور اس کے درمیان بغاوت ہے، کیونکہ ”تیرہ“ وہ عدد ہے جو بغاوت کی نمائندگی کرتا ہے۔

سال ۱۸۴۳ء، کہ بر نخستین نمودار بہ تصویر کشیدہ شدہ است، نخستین نومیدی و آغاز زمان تأخیر را مشخص می‌سازد. زمان تأخیر بہ فرارسیدن پیام فریاد نیمہ شب می‌انجامد، جایی کہ عصیان باکرہ‌های نادان آشکار می‌گردد. سپس پیام فریاد نیمہ شب تا نومیدی آخر اعلام می‌شود. آن ”تاریخ پنهان“ فریاد نیمہ شب در ایام آخر تکرار می‌شود (تا بہ دقیق‌ترین حد).

»بہت مرتبہ میرا دھیان دس کنواریوں کی تمثیل کی طرف دلایا جاتا ہے، جن میں سے پانچ عقلمند تھیں اور پانچ نادان۔ یہ تمثیل حرف بہ حرف پوری ہو چکی ہے اور پوری ہوگی، کیونکہ اس کا خاص اطلاق اسی زمانہ پر ہوتا ہے، اور تیسرے فرشتے کے پیغام کی مانند، یہ پوری ہو چکی ہے اور زمانہ کے اختتام تک حال کی سچائی کے طور پر موجود رہے گی.« Review and Herald, August 19, 1890.

اگر بہ درستی فہمیدہ شود، عبارت پیشین نشان می‌دهد کہ تنها گروہی از مردم در ایام آخر کہ امکان دارد یا باکرہ‌ای جاہل باشند یا باکرہ‌ای حکیم، مردمانی‌اند در میان گروہی کہ دچار نومیدی شدہ‌اند. ہمین نومیدی است کہ زمان درنگ را پدید می‌آورد، و آن مثل کہ »بہ تمامی و عیناً تحقق یافتہ و خواہد یافت« بر آثاری استوار است کہ در مدت درنگی کہ با یک نومیدی آغاز می‌شود، در درون باکرہ‌ها پدید می‌آید. آن نومیدی کہ »دو شاہد« را در کوچہ شہر کشت و ایشان را در وادی مرگ بہ استخوان‌های خشک و مردہ مبدل ساخت، در 18 ژوئہ 2020 رخ داد. ادونتیسیم، در مجموع، در آن نومیدی دخیل نبود. اگر چیزی بودہ باشد، آنان آن پیشگویی ناکام را جشن گرفتند، آنگاہ کہ »دو شاہد« در کوچہ افتادہ و کشتہ بودند. »بہ تمامی و عیناً« یعنی »بہ تمامی و عیناً«.

در تاریخ میلریتی، قوم عهد پیشین (پروتستانتیزم)، پیشگویی نافرجام سال ۱۸۴۳ (نامیدی نخست) را جشن گرفتند، و در همان نقطه پروتستان‌ها از حدود زمان آزمایش مهلت توبه خود گذشتند. زمان آزمایش در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آغاز شده بود، هنگامی که فرشته نیرومند مکاشفه ده، در تحقق پیشگویی زمانی وای دوم (اسلام)، فرود آمد. پروتستان‌ها در نامیدی نخست، پیشگویی زمانی را رد کردند، زیرا آن پیش‌بینی نادرست برای ایشان بهانه‌ای فراهم آورد تا دیگر در پی حقیقت نباشند. مضمون همه نشانه‌های راه در تاریخ میلریتی «پیشگویی زمانی» بود.

در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، فرشته مکاشفه هجده در هنگام تحقق نبوت وای سوم (اسلام) فرود آمد. موضوع همه راه‌نشان‌ها در ایام آخر، اسلام است. نومیدی نخست، پایان تطهیری از قوم عهد پیشین را نشان می‌دهد، زیرا در آن هنگام برای قوم عهد پیشین بهانه‌ای فراهم شد تا دیگر در پی حقیقت نباشند. سپس زمان آزمون برای «باکره‌ها»ی ایام آخر آغاز شد، زیرا آزمون قوم عهد پیشین که با فرود آمدن فرشته آغاز شده بود، در نومیدی نخست پایان یافت. از این‌رو، آزمون کسانی که به صورت باکره‌ها به تصویر کشیده شده‌اند آغاز شد، و آن فرایند آزمون سرانجام آشکار خواهد ساخت که آیا باکره‌ها نادان‌اند یا دانا.

میان نخستین و واپسین نومیدی، پیام فریاد نیمه‌شب قرار دارد. موضوع پیام فریاد نیمه‌شب برای میلری‌ها «زمان» بود، و موضوع پیام فریاد نیمه‌شب در ایام آخر «اسلام» است. در رؤیای میلر، او با فریادی بیدار می‌شود، و در آن هنگام، جواهرات او ده برابر درخشان‌تر از پیش می‌درخشند. جواهراتی که بر نمودارها به طور مستقیم پیشگویی‌ای را برای ایام آخر مشخص می‌کنند، اسلام و داوری تحقیقی هستند. از این‌رو، آزمون‌های «پیام» فریاد نیمه‌شب و «تجربه‌ای» که به وسیله داوری تحقیقی نمایانده می‌شود، نه برای قوم عهد پیشین، بلکه برای کسانی است که اقرار می‌کنند باکره‌گان آخر هستند.

تمثیلی که هنگامی پدید می‌آید که هر دو نمودار در کنار هم قرار گیرند، و تاریخ نخستین تا واپسین یأس را مشخص می‌سازد، نشان می‌دهد که در زمانی که «تاریخ پنهان» هفت رعد در حال وقوع است، کار نهایی داوری تحقیقی در حال انجام است. آن کار نهایی، مهر کردن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است، و این امر در طی «زمان‌های سخت» دانیال باب نه، در هنگام به خشم آمدن امت‌ها در مکاشفه باب یازده، در زمان نگاه داشته شدن «چهار باد» مکاشفه باب هفت، در «بازداشتن باد سخت در روز باد شرقی» در اشعیا باب بیست و هفت، و در مهار «اسب خشمگینی که می‌کوشد بگسلد و مرگ و ویرانی را» بر جهان وارد آورد، واقع می‌شود. تمامی این گواهان نبوی، نمایانگر اسلام وای سوم هستند، چنان‌که بر نمودارهای مقدس به تصویر کشیده شده است.

سه عنصر اصلی دو نمودار مقدس حقوق که به طور خاص رویدادهایی را مورد خطاب قرار می‌دهند که نسبت به زمان انتشار نمودارها هنوز در آینده بودند، عبارت‌اند از: مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، اسلام، و تحقق مثل ده باکره. این نمودارها فرایند آزمون و مهر شدنی را شناسایی می‌کنند که هم شامل یک «تجربه» است و هم یک «پیام». تجربه‌ای که برای یک باکره نادان ضروری است، «مسیح در شما، امید جلال» است، که نمایانگر همان کمالی است که به وسیله یکصد و چهل و چهار هزار نفر بازنمایی می‌شود.

اُس بهید کو بهی، جو از لویں سے اور پشت در پشت پوشیدہ رکھا گیا تھا، لیکن اب اُس کے مقدسوں پر ظاہر کر دیا گیا ہے؛ جن پر خدا نے یہ ظاہر کرنا چاہا کہ غیر قوموں کے درمیان اِس بهید کے جلال کی دولت کیا ہے؛ اور وہ یہ ہے کہ مسیح تم میں ہے، جلال کی امید: اُسی کی ہم منادی کرتے ہیں، اور ہر شخص کو تنبیہ کرتے اور کامل حکمت کے ساتھ ہر شخص کو تعلیم دیتے ہیں، تاکہ ہم ہر شخص کو مسیح یسوع میں کامل پیش کریں۔ کلسیوں 1:26-28.

یک صد و چهل و چهار هزار نفر به صورت گروهی از مردمان تصویر شده‌اند که از یک «اسارت» بیرون آمده‌اند. اسارتی که به طور مستقیم در کتاب مکاشفه بازنمایی شده است، اسارت مرده بودن در خیابان به مدت سه روز و نیم است، چنان‌که در مکاشفه، باب یازدهم، نشان داده شده است. اسارت یک مرگ نمادین، نمایانگر «هفت زمان» لاویان بیست و شش است، و آن اسارت مستلزم ظهور توبه است، همان‌گونه که در دعای دانیال، در باب نهم، به تصویر کشیده شده است.

جب مرده خشک پدیاں دوباره زندگی میں لائی جاتی ہیں، تو انہیں فوراً ایک "جھنڈے" کے طور پر بلند کر دیا جاتا ہے۔ موت کی حالت میں مسیح اُن کے اندر موجود نہ تھا، جو جلال کی امید ہے۔ اُن کی مطلوبہ توبہ کا ایک حصہ یہ اقرار تھا کہ وہ خدا کے خلاف چلے تھے، اور یہ کہ خدا بھی اُن کے خلاف چلا تھا۔ جب وہ اُن تقاضوں کو پورا کرتے ہیں جن کی نشان دہی نبوتی طور پر کی گئی ہے، تب مسیح "اچانک اپنے پیکل میں آتا ہے"، اور وہ "تجربہ" حاصل ہو جاتا ہے جو اس امر کے لیے درکار ہے کہ کوئی اُس جھنڈے کا رکن ہو جو پھر بلند کیا جاتا ہے۔

«تجربہ‌ای» کہ ہنگامی بہ تصویر کشیدہ می‌شود کہ اُن دو نمودار در کنار ہم قرار داده می‌شوند، به واسطه کار نہایی مسیح در قدس آسمانی تحقق می‌یابد. اُن «تجربہ» به وسیله رؤیای «مرآه» نمایانده می‌شود، کہ رؤیای «منظر» است. «پیامی» کہ مورد نیاز است، رؤیای «حازون» است، یعنی رؤیای تاریخ نبوی. اُن «پیام» به عنوان پیام داوری قریب الوقوع خدا بر جہانی سرکش شناخته می‌شود کہ به وسیله اسلام وای سوم به وقوع می‌پیوندد.

در سال ۱۸۵۶، خداوند در پی آن بود کہ بازسازی اورشلیم روحانی را در ادونتیسیم به انجام رساند. در دوران آمدن سه فرشته از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴، هیکل میلری بر بنیادها بنا شده بود؛ همان‌گونه کہ در رؤیای میلر به صورت «جواهرات» نمایش داده شد، و نیز چنان‌کہ در حقایق نبوی مندرج بر دو چارت پیشگامان (۱۸۴۳ و ۱۸۵۰) نمایان بود کہ باب دوم حقیق را تحقق بخشیدند. سپس قوم خود را هدایت کرد تا دیوار شریعت سبت روز هفتم او را برپا دارند، و آنان را به «راه‌های قدیم» اسرائیل باستان بازگردانید تا کار «کوچه برای عبور» را به اتمام رسانند. اما راه قدیم مشتمل بر تعلیمی، یعنی نبوتی، بود کہ برای آزمودن و جدا ساختن ایشان مقرر شده بود. در سال ۱۸۶۳، ادونتیسیم در آزمون «هفت زمان» ناکام ماند و آغاز کرد به سرگردان شدن در بیابان لائودیکیه.

۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، نمونه پیشگویانه قانون یکشنبه‌ای است کہ به زودی خواهد آمد، و در ہنگام قانون یکشنبه، آن کاری به انجام خواهد رسید کہ به وسیله چهلونہ سال به کمال رساندن کوچه و حصار در زمان‌های مصیبت‌بار، چنان‌کہ دانیال معین کرده است، به تصویر کشیدہ شدہ بود.

پس بدان و بفہم کہ از زمان صدور فرمان برای بازسازی و بنای اورشلیم تا مسیح رئیس، ہفت ہفتہ و شصت و دو ہفتہ خواهد بود؛ کوچه و حصار از نو بنا خواهد شد، اُن ہم در زمان‌های سخت. دانیال ۹:۲۵

تمام انبیا با یکدیگر ہم داستان‌اند، و «ایام سخت» دانیال نیز در آن فرازی از Early Writings کہ مورد بررسی قرار دادہ ایم، مشخص شدہ است.

«در آن زمان، ہنگامی کہ کار نجات به پایان خود نزدیک می‌شود، مصیبت بر زمین خواهد آمد، و امت‌ها خشمگین خواهند شد، با این حال مہار خواهند شد تا مانع کار فرشتہ سوم نگردند. در آن زمان، «باران آخر»، یا تازگی بخشی از حضور خداوند، خواهد آمد تا بہ آواز بلند فرشتہ سوم قدرت بخشد، و مقدسان را آمادہ سازد تا در دورہ‌ای کہ ہفت بلای آخر فرو ریختہ خواهد شد، پایدار بمانند.» Early Writings, 85.

ما این مطالعہ را در مقالہ بعدی ادامہ خواهیم داد.

«تا زمانی که آنان که به حقیقت اقرار می‌کنند در خدمت شیطان باشند، سایهٔ جهنمی او دید ایشان را نسبت به خدا و آسمان مسدود خواهد ساخت. ایشان همچون کسانی خواهند بود که محبت نخستین خود را از دست داده‌اند. آنان قادر به مشاهده حقایق ابدی نخواهند بود. آنچه خدا برای ما مهیا کرده است، در زکریا، باب‌های ۳ و ۴، و ۱۲:۴-۱۴، چنین به تصویر کشیده شده است: "و باز پاسخ داده، به او گفتم: این دو شاخهٔ زیتون چیست که از طریق دو لولهٔ زرین، روغن طلایی را از خود بیرون می‌ریزند؟ و او در جواب من گفت: آیا نمی‌دانی که اینها چیستند؟ و گفتم: نه، ای سرورم. آنگاه گفت: اینها آن دو مسح‌شده‌اند که نزد خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند."»

«خداوند سرشار از امکانات است. نزد او هیچ کمبودی در وسایل وجود ندارد. این به سبب کمبود ایمان ما، دنیاگرایی ما، گفتار سست و بی‌مایهٔ ما، و ناباوری ماست که در سخنان ما آشکار می‌شود، که سایه‌های تاریک بر گرد ما فراهم می‌آیند. مسیح در کلام یا در سیرت، به‌عنوان آن یگانه سراپا دل‌انگیز و ممتازتر از ده‌هزار، آشکار نمی‌گردد. هنگامی که جان خویشتن را به بطالت برمی‌افرازد، روح خداوند برای آن اندک می‌تواند انجام دهد. دید کوتاه‌بین ما سایه را می‌بیند، اما جلال آن‌سوی آن را نمی‌تواند ببیند. فرشتگان چهار باد را نگاه داشته‌اند، که به‌صورت اسبی خشمگین نمود یافته‌اند که می‌خواهد از بند بگسلد و بر سراسر روی زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ به بار آورد.»

«آیا بر لب آستانهٔ جهان ابدی به خواب خواهیم رفت؟ آیا کُند و سرد و مرده خواهیم بود؟ آه، کاش در کلیساهای ما روح و تَفَسُّس خدا در قوم او دمیده شود، تا بر پای‌های خود بایستند و زنده گردند. ما نیاز داریم دریابیم که راه، تنگ است و دروازه، باریک. اما چون از آن دروازه تنگ بگذریم، فراخی آن بی‌حد و حصر است.» Manuscript Releases, volume 20, 217.